

ارزیابی اندیشه مارتین هایدگر

و جریان فردید

منصور مهدوی

سرشناسه: مهدوی، منصور

عنوان و نام پدیدآور: ارزیابی اندیشه های دیگر و جریان فردید/ منصور مهدوی.

مشخصات نشر: قم: اشراق حکمت، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.؛ ۱۴×۵/۲۱/۵ س.م.

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۴۰-۱۵-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹ - ۱۹۷۶ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: فردید، احمد، ۱۲۹۱ - ۱۳۷۳ -- نقد و تفسیر

موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد.

موضوع: فیلسوفان آلمانی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد

موضوع: فلسفه اسلامی

رده بندی کنگره: B۳۲۷۹ ۱۳۹۸ ۹۵۲۹/۵

رده بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۳۲۲۶۷



نویسنده: منصور مهدوی

نشر: اشراق حکمت

چاپ: بوستان کتاب

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۳۰۰

قیمت: ۵۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۴۰-۱۵-۸

مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۷۷۰

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۵	 بخش اول؛ اندیشه هایدگر
۱۷	 هیدگر
۱۸	 فصل اول؛ هایدگر متقدم
۲۵	 گفتار اول؛ روش
۲۹	 ارزیابی
۳۵	 گفتار دوم؛ وجود
۴۰	 تمایز وجودشناختی
۴۲	 تقدم پرسش از وجود
۴۳	 تبار وجود
۴۱	 معنای وجود
۴۴	 ارزیابی و نقد
۷۲	 عدم

۷۷	ارزیابی
۸۳	گفتار سوم؛ انسان
۸۳	پیشینه انسان‌شناسی جدید
۸۴	عقل‌گرایان
۸۹	تجربه‌گرایان
۹۲	کانت
۹۶	ایده آلیسم (هگل)
۱۰۴	دوره معاصر
۱۰۴	شمن‌هاور
۱۰۶	کی‌یک‌گارد
۱۰۹	نیچه
۱۱۵	هوسرل
۱۱۹	فلسفه وجودی
۱۲۴	ماهیت انسان از نظر هایدگر
۱۳۴	گشودگی (اگزیتانسن)
۱۴۱	ارزیابی
۱۴۶	جهان
۱۵۲	نظام‌واره ابزار
۱۵۷	با دیگران
۱۶۰	ارزیابی و نقد
۱۶۲	عناصر اگزیتانسیال دازاین
۱۶۲	۱. یافتگی
۱۶۶	حال و احساس
۱۶۷	دلشوره (نگرانی)
۱۷۰	یأس و سرور

فهرست مطالب ۷

۱۷۱.....	ترس
۱۷۱.....	۲. فهم
۱۷۶.....	۳. گفتار
۱۸۰.....	ارزیابی
۱۸۵.....	گفتار چهارم؛ تعالی
۱۸۹.....	گفتار پنجم؛ آزادی
۱۹۵.....	گفتار ششم؛ مرگ
۲۰۰.....	ارزیابی
۲۰۳.....	گفتار هفتم؛ حقیقت
۲۱۱.....	ارزیابی
۲۱۵.....	گفتار هشتم؛ زمان
۲۱۶.....	معنای زمان
۲۱۸.....	ابعاد زمان
۲۲۰.....	انواع زمان
۲۲۲.....	نسبت زمان با وجود
۲۲۴.....	زمانمندی
۲۲۶.....	تاریخ
۲۲۹.....	ارزیابی و نقد
۲۳۷.....	فصل دوم؛ هایدگر متأخر
۲۳۹.....	وجود
۲۴۲.....	زبان
۲۴۵.....	انسان
۲۵۰.....	ارزیابی
۲۵۷.....	گفتار اول؛ هنر

۲۶۶	ارزیابی
۲۷۱	گفتار دوم؛ فناوری
۲۸۷	ارزیابی
۲۹۵	گفتار سوم؛ سیاست
۳۰۵	گفتار چهارم؛ اخلاق
۳۰۹	گفتار پنجم؛ انسان و خدا
۳۲۲	ارزیابی
۳۲۹	جمع بندی و ارزیابی فلسفه هایدگر
۳۳۰	عبور از عقل برهانی
۳۳۱	محدودیت به عالم طبیعت و حس
۳۳۲	نادیده گرفتن نفس
۳۳۲	غفلت از فطرت و ماهیت انسان
۳۳۲	انسان بدون آغاز و انجام
۳۳۳	فردگرایی
۳۳۴	فقدان اخلاق
۳۳۴	انسان گرایی افراطی
۳۳۴	عدم وصول به وجود
۳۳۶	وجود گرایی محدود
۳۳۶	دازاین؛ انسانی انتزاعی
۳۳۷	هایدگر، وام دار تفکر آسیای شرقی
۳۴۱	بخش دوم: امتداد تفکر هایدگر در ایران معاصر
۳۴۵	فصل اول: هانری کربن
۳۵۵	فصل دوم: سیداحمد فردید
۳۶۱	افکار
۳۶۲	علم الاسماء تاریخی

فهرست مطالب ۹

۳۶۷.....	حکمت انسی
۳۶۹.....	مارتین هایدگر
۳۷۲.....	اسم شناسی
۳۷۵.....	شاگردان
۳۷۷.....	متأثران
۳۷۷.....	فعالیت ها
۳۷۹.....	جمع بندی
۳۸۵.....	منابع
۳۸۵.....	۱. منابع فارسی
۳۸۵.....	الف - کتاب ها
۳۹۵.....	ب - مجلات
۳۹۶.....	۲. منابع عربی
۳۹۸.....	۲. منابع لاتین

جهان شرق در چند سده گذشته بخش مهمی از هویت خود را از دست داده است. حضور مکتب‌ها و افکار گوناگون غربی در شرق به ایجاد تعارض‌ها و در گذر زمان تغییر در لایه‌های فکری ملت‌ها انجامیده است. از یک سو غربیان با حضور خود، افکار و فرهنگ خویش را نیز در شرق ترویج کردند و از دیگر سو به پرورش طبقه روشنفکران وابسته به خود مبادرت ورزیدند تا افکارشان را متناسب با فرهنگ‌های بومی در نقاط مختلف بسط دهند.^۱ نخستین نتیجه چنین روندی از دست رفتن و تضعیف سنت‌ها، فرهنگ‌ها و زبان‌های شرقی بوده است. در این میان کشور ما نیز با این پدیده به طور جدی مواجه است.

-
۱. البته باید آفریقا و آمریکای جنوبی را هم به شرق بیافزاییم، چرا که آنها نیز مانند جهان شرق در قرن‌های اخیر شاهد حضور غربیان در جهان فکری و سرزمینی خود بوده‌اند.
 ۲. ژان پل سارتر فیلسوف اگزیستانسیالیست درباره نحوه پیدایش روشن فکریان بیان صالبی دارد. وی در مقدمه کتاب فرانتس فانون می‌گوید: «ممالک استعمارگر (متروپل) کشور مادر؛ موطن اصلی استعمارگر» ترجیح می‌دادند که ... [فرد] بومی ایشان را چون مادری دوست بداند. حبسگاه اروپا به ساختن و پرداختن بومیان نخبه دست یازیدند، آن‌ها جوانان با استعداد را برگزیدند و اصول فرهنگ و تمدن غربی را چون داغی بر پیشانی آن‌ها زدند و دهانشان را از حرف‌های گنده دهان سرکشان‌ها پر کردند. و پس از یک اقامت کوتاه در متروپل روانه وطن‌شان نمودند. این دروغ‌های متحرک دیگر چیزی برای گفتن به برادران خویش نداشتند. اینان تنها منعکس‌کننده اصوات بودند. ما از پاریس، از لندن، از آمستردام، کلماتی چون «پارتنون»، «برادری» را ادا می‌کردیم و در گوشه‌ای از آفریقا یا آسیا دهان‌ها باز می‌شدند [و صدای ما پژواک می‌یافت] ... تنون ... دری، «فرانتس فانون، مغضوبین زمین، ترجمه ف. باقری، ص ۲۲).

پیدایش و گسترش اندیشه‌های غربی از جمله تفکر مارکسیسم در کشور، جامعه و فرهنگ ایرانی-اسلامی ما را با چالشی جدی مواجه کرد. علامه محمدحسین طباطبایی از جمله نخستین کسانی بود که به مقابله با آنان پرداخت. ایشان با تدوین اصول فلسفه و روش رئالیسم به مصاف علمی با آنها رفت ولی به این میزان اکتفا نکرده و گاه به مناظره با سران حزب توده می‌نشست و حتی برخی از آنان را نیز موحد کرد.^۱ مجاهدات‌های شهید مرتضی مطهری در نیز این زمینه بر کسی پوشیده نیست.

فلسفه وجودی (اگزیستانسیالیسم) یکی دیگر از مکاتب پرشماری است که در کشور ما آزارهای دارد. تنوع آثار فلسفه وجودی و حضور اثرگذار فیلسوفان وجودی در عرصه‌های مختلف از جمله هنر، دامنه مخاطبان آنها را گسترش داده‌است. تلاش برخی علاقمندان هایدگر برای بومی‌سازی افکار او توانست نظر طیفی از نخبگان جامعه ما را به خود جلب کند.^۲ فعالیت جدی مجذوبان هایدگر برای ترویج افکار او در کنار عدم حضور فیلسوفان مسلمان برای مواجهه فکری و ایجاد تعادل نظری در جامعه، در گذر زمان به تسخیر فضای علمی جامعه انجامید.

رویارویی با فلسفه‌های بیگانه ولی تعال در فضای فکری جامعه، دشواری‌های

۱. علامه طباطبایی سال ۱۳۳۰ یک روز به مدت چندین ساعت به بحث و گفتگو با یکی از سران حزب توده پرداخت و در نهایت نظر او را تغییر داد. به نحوی که وقتی از خانه علامه بیرون رفت در کوچه به دوستانش گفت: آقای طباطبایی مرا موحد کرد. (نقل خاصه از آیت الله عبدالله جوادی آملی).

۲. برای مثال در جامعه ما بسیاری روشنفکران جهت تبیین افکار غربیان از بسترهایی چون اشعار عرفانی استفاده می‌کنند. سیداحمد فردید نیز در تبیین برخی اصطلاحات خاص هایدگر از اشعار حافظ مدد می‌گرفت! برخی مترجمان آثار هایدگر (محمود نوالی) به اذعان خودشان، برای ترجمه و توضیح افکار هایدگر از مولوی بهره گرفتند همچنان که عبدالکریم سروش برای تبیین افکار نسبت‌گرایانه به مثنوی مولوی استناد می‌کرد!

به راستی که اینان از ظن خود یار مولوی و حافظ شده‌اند و از اسرار این بزرگان بسیار غافلند. مقام فکری این حکیمان آنقدر بلند است که کمتر کسی می‌تواند به کنه آن برسد.

خاص خود را دارد و شاید در مواردی به فرجام مطلوب نرسد. با این حال رویارویی جهت تغییر فضای موجود لازم است؛ چرا که دستیابی به «استقلال فکری» امری ضروری و حیاتی است.^۱

اگر فیلسوفان و دانشمندان مسلمان در این میدان حضور پیدا کنند، ضمن آشنایی با مسائل و موضوعات جدید، امکان ارتباط‌گیری با جامعه و جهان امروز پیدا می‌کنند که شاید بسترهایی برای نشر افکار خود بیابند؛ ولی رویکردانی از این مواجهه علمی، به معنای رهاکردن نخبگان و نیروهای فعال جامعه در مصافی نابرابر است. چرا که هجوم همه‌جانبه مکاتب غربی، جامعه ما را دچار انفعال کرده است. تاجایی که بخش‌های مهمی از جامعه فکری ما دچار سرخورگی و تحقیر شده‌اند. این وضعیت به نابودی جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن ما انجامیده است که نمونه‌هایی از آن در امحای فرهنگ، آداب و رسوم، پوشش و معماری ما بروز کرده است. در چنین شرایطی فقدان حضور فعالانه دانشمندان مسلمان برای رویارویی علمی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

از آنجایی که افکار هایدگر ذهن و زبان بسیاری نخبگان علمی و فرهنگی جامعه ما را به خود مشغول کرده است، نسخه اصلی ما در این کتاب تبیین اندیشه هایدگر و ارزیابی آن است تا نقاط ضعف و قوت آن را در حد توان، برشمарیم و ببینیم که آیا چنین اندیشه‌ای به نحو تفکیک‌شده یا در مجموع، قابل قبول است یا خیر.

بر این اساس می‌کوشیم تا سرفصل‌های مهم اندیشه‌های سارتر، هایدگر را ابتدا تقریر کرده و سپس به گفتگو و نقد افکار او بپردازیم. در این مرحله ابتدا پرسش‌هایی که ممکن است با مطالعه افکار هایدگر به ذهن مخاطب برسد را بیان می‌کنیم؛ در مواردی نیز بر اساس مبنای خود هایدگر مطالبی را طرح می‌کنیم و گاهی نیز با تکیه بر فلسفه اسلامی برخی خلأهای اندیشه هایدگر را نشان داده و چالش‌های آن را بررسی می‌کنیم. در این میان از ذکر برخی

۱. «استقلال فکری، شرط اول استقلال است». (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۷۳).

ظرفیت های اندیشه هاییدگر نیز غفلت نکرده ایم. در بررسی امتداد افکار هاییدگر در ایران به ویژه جریان فردید نیز همین شیوه را در پیش گرفته ایم. طی دهه های گذشته طرفداران هاییدگر (جریان فردید) با طیفی از لیبرال ها نزاع فکری پردامنه ای داشته اند، طبیعی است که آنها نمی توانند رویکرد نقادانه این کتاب را همسو با خود تلقی کنند.

از میاوش جمادی سپاس بسیار دارم که بخش مهمی از کتاب را مطالعه کرده و ضمن اظهار لطف، نظرات سازنده خود را ارائه کرد. سپس در بخش های دیگر با گفتگوهای پر شمار و طولانی، همراهی خود را از نویسنده دریغ نکرد. جا دارد از دکتر محمد لگنهاوزن تشکر کنم که نکته مهمی را درباره هاییدگر متذکر شده و آثار بسیاری را در اختیار نویسنده گذاشت.

جریان فردید به سوارش حجت الاسلام دکتر محسن قمی مورد توجه نویسنده قرار گرفت و اگر چنین نبود کتاب به کمال نمی رسید چرا که بحث از هاییدگر بدون تبیین و تطبیق امتداد افکار او در ایران، فایده مطلوب را برای مخاطب ندارد.

منصور مهدوی

قم المقدسه

۲۶ فروردین ۱۳۹۸